

# شهر

**دایره امتیاز ویراستور**  
**پ. ج. چشمه زوری**

دایره امتیاز ویراستور  
پ. ج. چشمه زوری

**آذربایجان روزهای یکشنبه - سه شنبه پنجمین دفتر نشر می شود**  
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

## رئیس مجلس چه جور آدمی است؟

پشت صالون جلوسه هائی چه کار میکنند؟

دعای زیادت در هیئت آزادوار گذشته جاس به پایه ورموشتر نموده است من در دوره سروده شه رئیس مجلس حایب مشاهده نمودم بود این کتیکب منقش شده مثل ایسکه در آن در دوره همتایان در روزهای پیش از دیکتوری نایب انگان جاسی درایی رسیده بود و احتراستی قائم بود اگر چه جاس مایه مستط السلطانه و ملت نی بستند و برای هنر و شعیبت و مقام مؤمنان مبارک و قائم بود.

در این دوره دعوی ریاست آزادوار الای روزنامه دعوی دعوی روز نشکل مجلس مثل اینکه تمام شد پندیا که منجلی اروا و امریکا فراسیون المیده انت روی اشغال مقام ریاست بوده است آزادی طلیبا سیاسی پیش از ایسکه بنام ریاست مجلس برسد نظر سابق آزاد شوهای استقامتی کرد و ریاست هیئت نشانهای ثوران نشان دادند میان مردم و نایب انگان نفوذ و اعتبار وسیعی داشتند ولی متاسفانه پای بیجاالی دشمنان پا از روکنی مفاورین دوروبری آن نفوذ استوارتری زودی مصرف کردند معنی است ایلان دیگر آن مرد آزاد با نفوذ و با اختیار نیستند.

توام السلطانه هم همینطور که نیا سردی زلم امور را بدست گرفته بود مردم خیال میکردند که قواریت ویی توانود در این مواقع باره ملکیت را اداره بکنند ولی همینکه روی کار آمد واداره هنر شده هم میندیکه در مقننه خالی است آثار برای زمانه اری این دوره بپرد میبورد.

دگر ملسور هم بدیننوال خلیی زودتر از این که انتظار میرت نفوذ اختیار خود را بر باد داد یعنی بیاعت تلیخ برساند که وجاهت ملی ایست ضاییت و کردادی در ناب ز زمان ر دکان و حوادث تیزی میکند  
هم برای ریاست مجلس شورا ملی هم برای نفوذ و اعتبار خود آقای طباطبائی خلیی گران تمامید  
شش ماه مسیلتی فقط روی این زمین بود آقای رئیس نظر بصف میراج و آلودگی و گره های کار گونا گونی راسته دهالی از آن نام میکنند گیسوی او را کس نبود در زمان بدهد شهنای تشکیل نشید اولیا نابرز و اردو محول می گردید بودت مجلس با تفکر ویی پیروش و جلست غمخسوی تلف میشد تلنگر افات و هراش مردپوری هم بافته بیوجا مانده بود.

### بهای آزادی

سالیانه ششماه  
برای کارگران و کشاورزان و کارمندان و چوپانان و سایرین

**بهای آزادیها با دفتر اداره است**  
جای اداره:  
خیابان لاله زار - پاساژ بار

### چه جور سلطنت میکردند

از روزنامه سفر گیلان که بدست خط مبارک مرقوم شده  
روز پنجشنبه ۲۳ ذی القعدة ۱۲۸۸

توجه بلای همان باد گرم می آمد و هوا نجوش بود سوار کالسکه شده از کتاف پور با بست طوالت واقع طیفان و شیرین بوده خلیی راه رفتن پدید رسید قدیم قدرت دست چپ رفتن راسته اید استدهشای گشتن پرود منزل کتاف استن وقت ما را بردارد بیایود و کشته در باد و تاب آمدیم کنار دریای بزرگ آفتاب گردان زنده بود هر دو نیمه دریا خیالی موج و مهتاب بود نشان مردم اینجا هوا ساکن دارد به از نهار از دو با با در سر مبارک تری آمد دریا بوم خورد امواج از هر طرف به حرکت آمد بر خاستم توئی در شکه نشسته بود را نشان کردیم بعد وانیم بنزل راه ریکتاز بود کالسکه حرکت نیکرد خود بک میان رفتیم دوباره آفتاب گردان زنده نشان خواندم چایی خوردیم زیر شکار امواج را داشت به کشتی با این مردان انوارند بیاید بالارشاره یاقین بودیم کشتی هم آمد نشان را روهما آوردند بودند نایامه چند زایچه از طرف هوا آمدند زنده آمدنم کل زنده افتاده رفتن گشتن زایچه عربی بود کوچک چومالی سفید رنگه با رنگ سفید نوار گردن ایران تا حال دیده بودم یک زلزمه کرد کشتیهای باشی هر چه افتاد بود نزد سوار میگردند

یک از سادات گیل که مطلع بن گشت مفاصل اعتبار نامه شاهان قطعی کرد که ریاست مجلس بود است انبارها را اس کردند که با یوم شاهان تب متعدد دارد فوت میکرد و خودتان به جاعه کرده در جلش علمی و سری اول طرف ضمت آذربایجان مورده در زاده گفتید با یاد اینکه ان اغراض خستوک شخصی را نگار گذشته برای ات کار بکنند متولیان لیان پیش خود حساب خود را کردند باقی در صفا

### از مجله استاراد

انتیاس و نگارش : در نامور مدیر روزنامه شهر

## بهشت معون

شگفت انگیز ترین تشکيلات اجتماعي

فرزندان ستاره سرخ

هرفته رحمت در این بهشت زمانه دستهای معصوم و معنی مهور داردار که تمام پیش قمان بتمام اهوال آن سه میبرند این دسته راسته تیسیر میخوانند مردم اهوال آن دسته را هر هفته رحمت نامیده اند.  
**پاک آفانه رحمت**  
تیسور برای مرد دانسان دارد این نام از این فسانه قدیمی گرفته شده چندین سال پیش این فسانه ر اموضوع قبلیس زیر آداده سلولوان نوساره لایم و برای تیسور و دینام تیسور و تادی قوای فوق الطبیعه این رس به نظر با مردم بدیعت منکروک و بنیاد سر کار داشت مجلس عالی دربان و بنبر مردم گرسنه و برهنه و کتف آن مرتب و نا یک حرکت دست او خاله غایب و تیسیر مکت بیمار شفای باله برهنه پوشیده می شد اگر صاحب خانه دیده نیکسکه ای داشت با مرخصت داد میزد میزد

### انتقاد هنری

بعناصت نمایش سیر از کمال الدین

## یک پرده از زندگانی اجتماعی

موایر و کسانیکه از بدایات اروپایي آشنائی نداشته خوب می شناسند انتقادات انتقادی او که بصورت بیس های مختلف در روز و سون و تاتر و در مراسم و سایر نشانه ها می رسد و سایر شهرهای و سایر اراده داده می شد بهترین و مؤثر ترین وسیله بیدار کردن مردم فرانسه بود.  
موایر روهبرفته سعی کرده است تمام نقاط ضمت ملت فرانسه از سازمان های اجتهادی گرفته تا خصوصیات فردی انتقاد کند. انتقادات او گاه بقدری زنده و بیترسانه است که هنوز بیسی روزنامه کار دایا خیالی پیش آمده و بیسی کرده است در بعضی ممالک مرفهتری بیسی نایشی گذشته می شود فانتازیات صلیب است و طریقات خاصی ایجاد میکند بیس های موایر تقریباً امسروز چه سن الدالی واداره بیست ممالک دنیا و او را در سرس نادر می گردانند و مرگ مختلف آنرا می بینند و بعضی میکنند باهالت میرند این خود بهترین دلیل بر ابهت که طرز اخلاق ونهم و احساسات آنرا ها چندان با هم تفاوت ندارد و تقریباً همه از یک سطح چیر های اخلاقی

عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی

### محولات صمیمی دو بالگان

منتخب سرشار و گرانبای نفت و قوق و سایر...  
عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی

عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی  
عنوان آفرینی



### بک پرده از زندگانی اجتماعی

بقیه از ادامه اول

تسلیم نظارت‌های شده از این او شده پرسش را از زمانه بیرون میکند و برای موشن بل خانواده خود تروت خویش را با هم میگرداند غلامی او میبرد. «سهراب خان» که دل حاجی مفسد را بیهوده دارد حاضر میشود دختر جوان خود را با آنکه قبلاً نامزد جوانی دارد بیروزگار گشاید لعین پدیده.

زن و فرزندان و کلفت‌ها او برای از میان بردن این نقشه متوجه می‌شوند و بالاخره سهراب خان را از می‌بیکند که زبیرین اطراف می‌شود و مشاهده آن خود را با زن خود به «بینه» می‌برد با آنکه بیکبار از مشاهده میروا گذارند این معنای شده او را راند یود با ترس است با اظهار عشق می‌کند.

میروا کمال الدین با کمال حسرت از او کام دل بخواهد و زن خود سهراب محاذر منظم می‌آورد و گفته می‌شود میروا را خاطر نشان می‌کند.

میروا کمال الدین اظهار می‌دارد که راه شرعی آرا خودش درست می‌کند و وسیله‌های تلذذ آنها دارند که با خدا کنار می‌آید بی‌لایه می‌گوید وقتی هست معنی بیانه چندین گناه ندارد ...

میروا کمال الدین با کمال حسرت از او کام دل بخواهد و زن خود سهراب محاذر منظم می‌آورد و گفته می‌شود میروا را خاطر نشان می‌کند.

میروا کمال الدین اظهار می‌دارد که راه شرعی آرا خودش درست می‌کند و وسیله‌های تلذذ آنها دارند که با خدا کنار می‌آید بی‌لایه می‌گوید وقتی هست معنی بیانه چندین گناه ندارد ...

میروا کمال الدین با کمال حسرت از او کام دل بخواهد و زن خود سهراب محاذر منظم می‌آورد و گفته می‌شود میروا را خاطر نشان می‌کند.

میروا کمال الدین اظهار می‌دارد که راه شرعی آرا خودش درست می‌کند و وسیله‌های تلذذ آنها دارند که با خدا کنار می‌آید بی‌لایه می‌گوید وقتی هست معنی بیانه چندین گناه ندارد ...

میروا کمال الدین با کمال حسرت از او کام دل بخواهد و زن خود سهراب محاذر منظم می‌آورد و گفته می‌شود میروا را خاطر نشان می‌کند.

میروا کمال الدین اظهار می‌دارد که راه شرعی آرا خودش درست می‌کند و وسیله‌های تلذذ آنها دارند که با خدا کنار می‌آید بی‌لایه می‌گوید وقتی هست معنی بیانه چندین گناه ندارد ...

میروا کمال الدین با کمال حسرت از او کام دل بخواهد و زن خود سهراب محاذر منظم می‌آورد و گفته می‌شود میروا را خاطر نشان می‌کند.

میروا کمال الدین اظهار می‌دارد که راه شرعی آرا خودش درست می‌کند و وسیله‌های تلذذ آنها دارند که با خدا کنار می‌آید بی‌لایه می‌گوید وقتی هست معنی بیانه چندین گناه ندارد ...

میروا کمال الدین با کمال حسرت از او کام دل بخواهد و زن خود سهراب محاذر منظم می‌آورد و گفته می‌شود میروا را خاطر نشان می‌کند.

میروا کمال الدین اظهار می‌دارد که راه شرعی آرا خودش درست می‌کند و وسیله‌های تلذذ آنها دارند که با خدا کنار می‌آید بی‌لایه می‌گوید وقتی هست معنی بیانه چندین گناه ندارد ...

### نخبرهای کشور

**در شورای فرهنگ**

در جلسه سهند ۱۸ مهرماه ۱۳۳۳ شورای عالی فرهنگ که با حضور جناب آقای کاشانی وزیر فرهنگ تشکیل گردید هیات زیر ایجاد شد:

۱- رییس: جناب آقای کاشانی

۲- اعضا: جناب آقایان ...

۳- اعضا: جناب آقایان ...

۴- اعضا: جناب آقایان ...

۵- اعضا: جناب آقایان ...

**تفصیح در علیه بیماری**

بازی بافتن با نعل می‌کند است که در دهه‌های ساده سن اطفال و کاهن نیز در اشخاص بزرگ تبدیل بدنش می‌گردد و از آن بیماری بافتن جلو گیری در سطح پوست است که بافتن آرومیتیک است.

بازی بافتن با نعل می‌کند است که در دهه‌های ساده سن اطفال و کاهن نیز در اشخاص بزرگ تبدیل بدنش می‌گردد و از آن بیماری بافتن جلو گیری در سطح پوست است که بافتن آرومیتیک است.

بازی بافتن با نعل می‌کند است که در دهه‌های ساده سن اطفال و کاهن نیز در اشخاص بزرگ تبدیل بدنش می‌گردد و از آن بیماری بافتن جلو گیری در سطح پوست است که بافتن آرومیتیک است.

### پرش های مین را نکرار میکنیم

روزنامه بهرپریش زبراز را شرکت تلفون کرده است که ما با چیزی تئور آرا را با جواب شرکت تلفون نکراد خواهم کرد.

چون هر کسی شرکت با من مراجعه میکند با جواب سربلانی در کرده می گویند ندره ندانیم در همه حال شماره تلفون در بازار سیاه تا مبلغ بیست هزار تومان خرید و فروش میشود.

مهلا در پرسش بنامید که چگونه بیهوده می‌نماید (مثلا سیکار فروش زهره) و ایتال ایشان تا حد غیاب تلفون داده همه است چرا کانی که بیشتر از بک و دو شاره تلفون دارند بنمیکند کار نکشای اجناس اراره بنیانه زده

**از آقایان سعی و بعین استفاده یاری جواب میخواهم** ۱۳۴۴

### میرزا کمال الدین

اجتماعی، اخلاقی، سیاسی جاذب

با شرفک بهترین هنر پیشگام

بمسئغه سه روزنامه ملی؛ آزاد بخونه؛ با شهامت

نجات ایران از آزادگان فرمان

در سالون هیات ناظر فرهنگ واقع در لاله زار

نمایش ساعت هفت بعد از ظهر چهارشنبه دوازدهم مهر ۱۳۳۳ شروع میشود

بلیطها با بهر فرمانداری نظامی تهران رسیده و درشت نمایش بجای بلیط عبور و مرور شب بکار می‌رود

### آسی

مستور دینکه عموم اهالی شهر بخواوند در هر نقطه سواران با سرع وقت مراجعات بانکی خود را انجام دهند و احتیاج نداشته باشند با اداره مرکزی بانک مراجعه نمایند بانک ملی ایران در باجه دو قطار (زیر ایستگاه کره) است

با به بستخانه خیابان سه جنب بستخانه

با امیریه خیابان امیریه در بروی خیابان فرهنگ پاساژ

- ۱- شاه شاه
- ۲- سیه
- ۳- میدان شاه
- ۴- میدان شاه
- ۵- میدان شاه
- ۶- میدان شاه
- ۷- میدان شاه
- ۸- میدان شاه
- ۹- میدان شاه
- ۱۰- میدان شاه
- ۱۱- میدان شاه
- ۱۲- میدان شاه
- ۱۳- میدان شاه
- ۱۴- میدان شاه
- ۱۵- میدان شاه
- ۱۶- میدان شاه
- ۱۷- میدان شاه
- ۱۸- میدان شاه
- ۱۹- میدان شاه
- ۲۰- میدان شاه

### نرمه کریم کفاور

مردن با این گفت: در آن

که سرتاسر قرن بیستم را فرا گرفته بود می‌اطلاع یستی. غوطی

سعدالامیر خود را ساقی سرباه داری هرج و مرج و بی نظمی

تولیدات و چون رفتی بدینجا می‌سپاری بار آرد مردم

آورد پیوسته گروشی کردند که حرکت های عظیم تشکیل داده

تولیدات و تشیع و فریاد را با یود کردند. ولی این تشیعی منج

به طوفانها و فتنه‌های گشت. در این دوره هرج و مرج و بی نظمی

طایف جنبه گروان گروار و هوشناگی با درگردد. بر فلان (از رجبیان)

باز در بر مکتب بیرونی با درگشت هاشمی سروده گشته بود و ریخت

و باقی بنانی که سرخود خراب می‌کرد خردش کرده بود.

بازارت دلاخی در درون سولش پرور کرده و بهترین

ترتیب و منظمترین خوشن خود را داشت و علی العینا از خود بود

کرده بود با بی نظمی و ترتیبی فریب‌گرده و هیچ لایقشع مرتبانی

### بر فراز سنگ سفید

تصمیم می‌گیرد. مرزا زید میشد. ساعت هر گزاه می‌گشت،

آزادی، نجات، و تشکیل مجلس می‌باید میکرد، مشافله و قدرت را

بمکت می‌آورد. «انکار» خودی ترمی می‌کرد. با وی جبهی نمود

می‌کرد که اختلافات و اشتباهات مردم درست گشت آثارا بیوی

نیستی خواهد کشاید. ولی بنیاد از یاد داد که تمام دستجات و

انزب بزرگ اختلافاتی بین خود هاوند و همه مرتکب اشتباهاتی

می‌شوند.

بروناربا (دربار) به مزب بزرگ را حایر بود که

اوضاع بطع او در میان داده. و او با هر بیست ازبت رفاه

و آسایش بهایی رسیده که تو است بکارهای بزرگ دست یازد و کار

های بتری بکند. رفیق برای اینکه دستهای بزرگ با بیغ خوش

الطاب کند باید فزی یافد. بیرونی بیستم (همد مشغول) و بیغ

عمومی خیلی برای پیشرفت سوسیالیزم مناسب بود؛ و ازبش

های دافعی که در طی قرن بیستم بتدریج تغییر یافته بود؛ پس از

باز می‌آید سوسیالیسم را از طرف دولت‌ها و طبقه حاکم و متوسکن

بمال آید از طرف پارلمان‌های که از طرف مردم انتخاب شده بود

و در نتیجه فشار مردم هر چه رفته رفته

شدت‌ها بود که در هر دو طرف اول تر و دیگر اول جنگ

های غرضی (که در بعضی احوال می‌وقت) شکاف می‌داشتند و

